The Determinants of Cohabitation

Farhad Nosratinejad: Department of social welfare management, school of education sciences and social welfare, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. Farhad.nosrati@gmail.com

Giti Bahrami*: PhD student in social welfare and social health, department of social welfare management at University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: In today's world, men and women live together in different ways. According to statistics; cohabitation as a new form of living together is increasing. Since cohabitation challenged family institution, logical facing to these challenges is a must and need policymaking. Policymaking, in turn, requires an understanding of the factors leading to cohabitation. So this review article aimed to examine the determinants of cohabitation.

Methods: This article is a systematic review article. Cohabitation keyword was searched in most important Persian and English databases limited to years between 2000 to 2016. Finally, twelve articles were selected and reviewed.

Results: The results explained three factors affect tend to cohabitation. At the macro level, liberal and neoliberal policies, commodification and fluidity of modern life; in the middle level, family status, religion and culture; and in the micro level, wellbeing, economic rationality, age, gender, and education; were determinants of tending to cohabitation.

Conclusions: The tendency to cohabitation could be reduced by changing in economic and social policies, facilitate the marriage condition, creating economic security, eliminating gender-based discrimination and providing training for young.

Keywords

Cohabitation

Determinants of Cohabitation

Social Policy

*Corresponding Author

Study Type: Review Article
Received: 29 Apr 2017
Accepted: 20 Nov 2017

Please cite this article as follows: Nosratinejad F and Bahrami G. The determinants of cohabitation. Quarterly journal of social work. 2017; 6 (2); 35-42

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

عوامل تعیین کننده همباشی

فرهاد نصرتی‌نژاد: گروه مدیریت رفاه اجتماعی، دانشکده علوم تربیتی و رفاه، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
Farhad.nosrati@gmail.com

گیتی بهرامی*: دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

واژگان کلیدی

همباشی

تعیین کننده‌های همباشی

سیاست گذاری اجتماعی

چکیده

مقدمه: شکل‌های متفاوتی از زندگی مشترک در جهان وجود دارد. آمارها نشان می‌دهند زندگی مشترک به‌صورت همباشی در حال افزایش است. این شکل از زندگی مشترک چالش‌هایی را برای نهاد خانواده بوجود آورده است. با توجه به اینکه شناخت عوامل تعیین کننده زندگی مشترک خارج از چارچوب ازدواج برای سیاست‌گذاری در حوزه خانواده ضرورت دارد، از این رو مطالعه حاضرعواملی که منجر به همباشی می‌شوند را بررسی می‌کند.

روش: این مطالعه به‌صورت مرور سیستماتیک انجام شده است. جستجو در مهمترین پایگاه‌های اطلاعات فارسی و انگلیسی با کلیدواژه همباشی و"Cohabitation" در محدوده زمانی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ انجام شد. از مجموع مقالات به‌دست آمده نهایتاً دوازده مقاله مورد تایید قرار گرفت و وارد مطالعه گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که سه سطح از عوامل برگرایش به همباشی تاثیرگذار هستند. درسطح کلان، سیاست‌های لیبرالیستی ونئولیبرالیستی، کالایی شدن وسیالیت زندگی مدرن ازعوامل تأثیرگذارهستند. درسطح میانه، وضعیت خانوادگی، فرهنگ و دین و درسطح خرد، آسودگی خاطر طرفین، عقلانیت اقتصادی، سن، جنس و تحصیلات افراد از جمله عوامل تعیین کننده زندگی است که به گرایش همباشی منجر می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری: تغییر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی، هموار کردن مسیرهای ازدواج جوانان، ایجاد امنیت اقتصادی، رفع تبعیض‌های جنسیتی و ارائه آموزش‌هایی به جوانان می‌تواند از گرایش آن‌ها به زندگی مشترک بدون ازدواج بکاهد.

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: مروری
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۹

نحوه استناد به مقاله: نصرتی‌نژاد و گیتی بهرامی. عوامل تعیین کننده همباشی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۶؛ ۶ (۲): ۴۲-۳۵

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

مقدمه

دختران و پسران برای همزیستی با یکدیگر به راه‌ها و روش‌های دیگری روی آورده‌اند که خارج از قوانین جامعه است. این همزیستی امروزه به نام "ازدواج سفید" شناخته می‌شود. تحقیق و پژوهش برای روبرو شدن با مسائل خانواده و مسائل و مشکلات مربوط به ازدواج، بیش از پیش دارای اهمیت می‌باشد. به نحوی که توجه به مسائل مربوط به جوانان هر کشور جزو اولویت‌های غیرقابل انکار آن کشـور به‌ویژه در حوزه خانواده اسـت. یکی از مهمترین مشکلات جوانان امروزی ازدواج اسـت. در ایران نیز آمارها نشـان می‌دهد همباشی رو به رشد اسـت و به همین دلیل برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی و یا برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این راستا، لازم است عوامل تعیین کننده همباشی شناخته شود.

ازدواج مراسـمی اسـت که زن و مرد را به نقش زن و شـوهر تبدیل می‌کند.(۱) همچنین به این معنا اسـت که زن و مرد رابطه‌ی مشخص بین زن و شوهر و همچنین وظایف و حقوق یکدیگر را پذیرفته‌اند.(۱) در مقابل، همباشی(ازدواج سفید) به وضعیتی گفته می‌شود که دو نفر در قالب زن و شوهر با یکدیگر زندگی کرده در حالی که هیچ‌گونه مراسم قانونی مبنی بر ازدواج را برگزار نکرده باشـند.(۲) همچنین در همباشـی زن و مرد با یکدیگر به‌صورت غیرقانونی همخانه می‌شوند در حالی که مدت زمانی که قرار است با هم زندگی کنند نامعلوم است.(۳)

در تعاریـف ازدواج رویکردهـای نظری متفاوتی وجود دارد. برای مثال کارلوس برکنـش متقابل بین دو فرد (زن و مرد) تحت شـرایط قانونی تاکید دارد. لوی اشـتراوس برخورد دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسـی را ازدواج می‌داند.(۴) تئوری نوسـازی با تاکید بر تغییرات سـاختی از قبیل انتقال از اقتصاد کشـاورزی به اقتصاد صنعتی، تحولات رخ داده در ازدواج را ناشـی از تغییرات سـاختاری در جامعه، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهر نشینی و آموزش همگانی می‌داند. ویلیام گود(۱۹۶۳) نیز بر فرآیند نوسـازی در خانواده و الگوهای ازدواج با مطرح کردن ایده‌ی انقلاب جهانی در الگوهای خانواده اشـاره می‌کند و تغییرات الگوی ازدواج را ناشـی از این فرآیند می‌داند. در همین راستا وستوف(۱۹۷۸) تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه را مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق، عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقاء فرزندان و گسترش فرهنـگ مصرف‌گرایی می‌داند و در نتیجه تحولات در حوزه خانواده و ازدواج را ناشـی از تحولات اقتصادی و اجتماعی در نظر می‌گیرد.(۵) مک دونالد(۲۰۰۶) در قالب تئوری نوسازی باز اندیشـانه، معتقد اسـت که فرآیند نوسازی، آزادی و اسـتقلال بیشـتری را به همراه آورده ولی آن‌ها را با عدم اطمینان بیشـتری نسـبت به آینده همراه کرده است. در نتیجه تا وقتی که افراد اطمینان خاطر از شـغل و آینده‌ی باثبات نداشـته باشـند توانایی برعهده گرفتن تعهد در نظام خانواده را نیز دارا نمی‌باشند. همچنین برای درک تحولات به‌وجود آمده در ازدواج تنها رویکردهای ساختار پاسخگو نمی‌باشند به‌طوری که کالدول(۱۹۸۲) بر گسـترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی در سـایر جوامع، لهستاق(۱۹۸۳) بر تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سـکولار در کشورهای اروپای غربی، باربارا منچ و همکارانش(۲۰۰۵) بر تغیرات سریع در نظام‌های ارزشی جوامع آسیایی، کاسترلین(۲۰۰۱) بر نوآوری رفتاری، تغییر ایده‌ها و دینامیک اجتماعی اشاعه، نوترون و همکارانش(۲۰۰۱و۲۰۰۴) بر آرمانگرایی توسعه تاکید داشتند.(۶)

همباشی یکی از الگوهای تغییرشکل یافته ازدواج است. تفاوت همباشی با ازدواج در این است که شکل رسمی ندارد در نتیجه بسـیاری از مراحل بوروکراسـی در هنگام ثبت و همچنین طلاق در پی نخواهد داشت و همچنین این الگو بیش از آن که مبتنی بر تعهد رسـمی باشد، بر علاقه طرفین استوار است. البته همباشی می‌تواند مقدمه‌ای برای ازدواج رسمی باشـد و به‌عنوان یکی از الگوهای رابطه جنسـی قبل از ازدواج مورد بررسی قرار گیرد. انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۹۶۰ به تغییر گفتمان جنسـی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد(۷) که یکی از مهمترین پیامدهای آن گسـترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است.(۸) این الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج به تدریج نقاط دیگر جهان را نیز فرا گرفت.(۹) این دگرگونی از رابطه جنسی اسطوره زدایی کرد و علاوه بر افزایش سـن ازدواج زمینه‌های پیدایش همباشـی را به‌وجود آورد.(۱۰) بر اساس نظر نازیو گسترش همباشی در کشـورهای غربی، مهمترین تغییر در شـکل الگوی تغییر خانواده در پنجاه سـال اخیر بوده است.(۱۱و۱۴) در جهان امروز غرب، دو نوع همباشی وجود دارد: همباشی پیش از ازدواج (که اغلب در آمریکا اینگونه است) و همباشی بدون

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

ازدواج.(۱۵) در نوع اول همباشـی زمانی است برای درک طرفین از یکدیگر برای رسیدن به ازدواجی بهتر که از طرفی سن ازدواج را نیز به تاخیر می‌اندازد ولی در نوع دوم اساسـا ازدواج را شامل نمی‌شود بلکه آن را انکار می‌کند.(۱۳) همباشـی در کشورهای غربی که شامل فرزندآوری نیز می‌باشـد به وفور یافت می‌شـود.(۱۶) تعداد فرزندان متولد شـده در همباشی از یازده درصد در سـال ۱۹۹۴-۱۹۹۰ به هجده درصد در سـال ۲۰۰۱ افزایش پیدا کرده است.(۱۷) همچنین بسیاری از فرزندان حاصل از همباشـی باعـث ازدواج والدین خود و نادیده گرفتن سـدهای ازدواج، از قبیل موانع اقتصادی، شوند.(۱۵،۱۸و۱۹) سـرعت رو به رشد تشـکیل خانواده‌هایی بر اساس همباشی نسبت به فراهم کردن پتانسـیل‌های لازم برای بهزیسـتی ایـن فرزندان نگران کننده است. کودکان متولد شده در این‌گونه رابطه‌ها نسبت به کودکان متولد شـده با والدین مزدوج، بیشـتر با مشـکلات آموزشی، روانی، افسردگی و عاطفی روبرو هستند.(۲۰و۲۳)

آمار همباشـی در سراسـر دنیا متفاوت و در حال حاضر با روند رو به رشـدی روبرو اسـت. در آمریکا تا قبل از سال ۱۹۷۰ همباشی را با اصطلاح "Living In Sin" می‌شـناختند.(۲۴) در انگلسـتان، در سال ۱۹۹۸ از هـر هزار ازدواج تنها پنج ازدواج به‌صورت همباشـی وجود داشـت و در آمریکا نیز آماری به همین میزان گزارش شـده اسـت. طبق آمارها در قرن بیسـت تعداد کودکان متولد شده از همباشی خیره کننده است. برای مثال در سال ۱۹۶۴، نود و سه درصد از کودکانی که به‌دنیا می‌آمدند حاصل ازدواج رسمی بودند در حالی که این رقم در سـال ۲۰۰۷ به پنجاه و نه درصد رسیده است.(۲۵) به‌نظر می‌رسد مردم ترجیح می‌دهند با یکدیگر همزیسـتی داشته باشند تا اینکه به‌صورت رسـمی ازدواج کنند. برای مثال در سال ۲۰۱۲ در آمریکا ۷/۸ میلیون زوج ترجیح داده اند به‌صورت همباشی با یکدیگر زندگی کنند.(۲۶) در انگلسـتان نیز این آمار در سـال ۲۰۰۱ از ۲/۱ میلیون به ۲/۹ میلیون در سـال ۲۰۱۰ رسیده است. همباشـی فقط مختص کشورهای غربی نمی‌باشد بلکه در آسیا نیز گزارش شده است. بر اساس گزارش سازمان پژوهشی وابسـته به دولت ژاپن (موسسه ملی جمعیت و پژوهش تامین اجتماعی، ۲۰۰۷) میزان همباشـی از سال ۱۹۸۷ از سه به هشت درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است. در چین پدیده‌ای به اسم همباشی پذیرفته شـده است و مانند گذشـته گناه تلقی نمی‌شـود. همچنین در کشور مالزی نیز این پدیده از سـوی جامعه پذیرفته شـده اسـت. در ایران نیز آمارهـا به‌صورت رسمی وجود ندارد ولی خبرگزاری‌ها از روند رو بـه افزایش آن مخصوصا در شـهر تهران سـخن می‌گوینـد. تحقیقات به‌عمـل آمده نشـان می‌دهند رابط جنسی پیش از ازدواج در حال افزایش اسـت. در حـال حاضر در ایـران دوازده میلیون جوان در سـن ازدواج قرار دارند که هنوز ازدواج نکرده‌اند. مشکل بیکاری، شفاف نبودن آینده و بیکاری فارغ التحصیلان باعث گسـترش ناامیدی جوانان برای ازدواج در سـن مناسب بوده است. از سـوی دیگر تغییرات ارزشی با ورود رسانه و تغیر در سـبک زندگی جوانان باعث بوجود آمدن سـبک‌های متفاوتی در زندگی آن‌ها شده اسـت. از مهمترین این رفتارها گسترش روابط جنسـی قبل از ازدواج اسـت. با این وجـود روابـط پیـش از ازدواج در ایـران در الگوهـا و انگیزه‌هـای متفاوتـی صورت می‌پذیرد ولـی یکی از پرشـمارترین آن‌ها پدیده همباشی است. با این حال کشورهای دیگرتقریبـا این الگـو را پذیرفتـه و تدابیر لازم را در سیاسـت‌گذاری‌های خود لحاظ کرده‌اند. همانطور که آمارهانشـان می‌دهد جهان امـروز با گسـترش پدیده همباشـی روبروسـت. تحقیقات متفاوتی به همباشی و علـل و عواملی که باعث پیدایش همباشـی در جوامع می‌شود پرداخته‌اند، در حالی که این عوامل به‌صورت جداگانه و در سـطوح متفاوت و جمعیت‌های متفاوت بررسی شده اسـت. این مطالعه در نظر دارد که علت‌های مختلف در سـطوح مختلف و جمعیت‌های مختلف را گردآوری کند.

روش

این مطالعه از نوع مطالعات مروری می‌باشـد. در این مطالعه، مروری جامع و عمیق با اسـتفاده از پایگاه‌های داده علمی انجام شـده اسـت. هدف این مرحله مرور جامع مقالات در رابطه با عوامل تعیین کننده همباشـی و رسـیدن به درکی عمیق و گسـترده‌تر می‌باشـد. با توجه به موارد فوق مرور بر مطالعات از طریق جسـتجو در ژورنال‌های انگلیسـی زبان Scoupus، Science Direct، Proquest، Sage، Pubmed، Web of Science و Google Scholar با اسـتفاده از

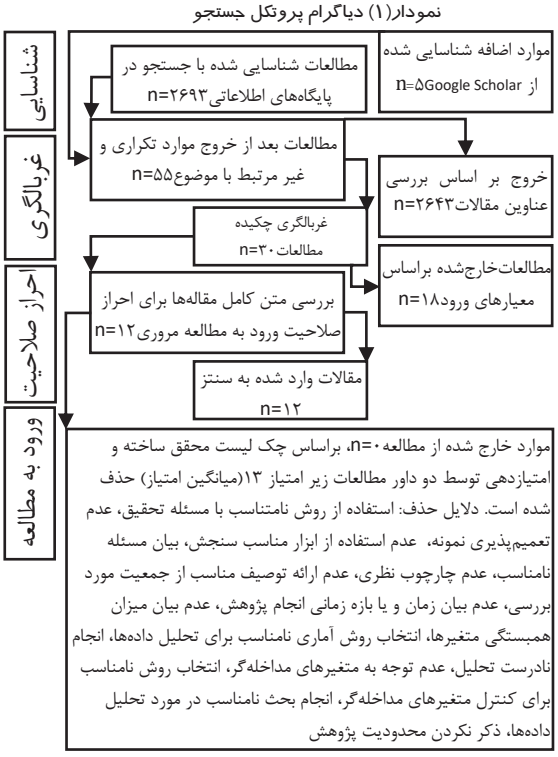
wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

کلیدواژه Cohabitation(همباشی) انجام شد. به دلیل اینکه تمام مطالعات بررسی شود جستجو فقط با یک کلید واژه و بدون محدود کردن انجام شد. در جستجوی اولیه و بدون محدودیت زمانی **۲۶۹۳** مقاله یافت شد که با استفاده از معیارهای ورود و خروج و حذف موارد تکراری به پنجاه مقاله کاهش یافت. سپس با بررسی عنوان و چکیده مقالات در نهایت سی مقاله باقی ماند. در ادامه دو نفر از گروه پژوهش با بررسی کل متون مقالات و حذف مقالاتی که به تعیین کننده‌های همباشی نمی‌پرداختند و استفاده از چک لیست محقق ساخته، دوازده مقاله با کسب امتیاز مورد قبول وارد مطالعه شدند.(ملاحظات اخلاقی)

معیارهای ورود: ۱-تمام مطالعاتی که در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با موضوع Cohabitation انجام شده‌اند. ۲-فقط مقالات علمی پژوهشی وارد مطالعه می‌شوند و بقیه مطالعات که در قالب منابع خاکستری هستند از مطالعه حذف شدند. ۳-مقالات حداقل یکی از تعیین کننده‌های همباشی را بررسی کرده باشد.

معیارهای خروج: مقالاتی که معیارهای ورود را نداشته باشند و همچنین در بررسی تعیین کننده‌های همباشی در گروه‌های سنی دیگری به جز جوانان پرداخته باشند.

نمودار(۱) دیاگرام پروتکل جستجو



یافته‌ها

در مطالعه‌ای که پنه‌لوپه و همکاران در ایالت اوکلاهاما، شهر میدوست سیتی بااستفاده از هجده گروه متمرکز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که گذران وقت با یکدیگر ، اشتراک‌گزاری هزینه‌ها و ارزیابی سازگاری یکدیگر از عواملی است که باعث می‌شود افراد به همباشی روی آورند.(۲۷) جی تیچمن با استفاده از داده‌های مطالعات ملی جوانان و تحلیل ثانویه آن‌ها در جامعه آمریکا نشان می‌دهد مردانی که مشغول خدمت فعال نظامی هستند و به منابع اقتصادی دسترسی دارند بین ازدواج و همباشی، ازدواج را انتخاب می‌کنند. این نتیجه در بین نژادهای سیاه و سفید به‌صورت یکسانی مشاهده شده است. تیچمن نتیجه می‌گیرد که دسترسی به منابع اقتصادی یکی از عوامل مهم انتخاب ازدواج به جای همباشی است.(۲۸) گلنا و همکاران در بررسی صد و بیست زوج همخانه آمریکایی که در زمان پژوهش خارج از آمریکا زندگی می‌کردند نشان دادند، گذران زمان بیشتر با یکدیگر و راحتی رابطه از عوامل زندگی به‌صورت همباشی است. آنان به این نتیجه رسیدند که ارزیابی رابطه به‌عنوان یکی از دلایل همباشی برای مردان بیش از زنان مورد توجه بوده است.(۲۹) دوریت پوزل و همکاران از طریق مصاحبه کیفی درزولو، یکی از شهرهای آفریقای جنوبی، سعی کردند نگرش شهروندان را نسبت به زندگی مشترک بدون ازدواج کشف کنند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که محدودیت‌های فرهنگی، محدویت‌های دینی و ارزش پایین زنان در جامعه از دلایل پایین بودن آمار همباشی است.(۱۴)کن دمسی و دیوید دی واس در مطالعه خودکه در جامعه استرالیا انجام داده بودند با استفاده از داده‌های سرشماری بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ مشاهده کردند که آمار همباشی رشد چشمگیری داشته است. آن‌ها با بررسی ارتباط بین سن، جنس، مذهب و نژاد با زندگی مشترک بدون ازدواج دریافتند افراد بین سن پانزده تا نوزده تمایل بیشتری به همباشی دارند و این مقدار در بین مردان نسبت به زنان بالاتر است. افرادی که به دین و مذهبی اعتقاد ندارند بیشتر به‌صورت همباشی زندگی می‌کنند. همچنین آمار در بین ادیان مختلف نیز متفاوت است.(۳۰) جیا یو و همکارش در چین با بررسی خود به این نتیجه رسیدند که همباشی در چین در سال‌های بعد از ۱۹۷۰ همسو با دیگر کشورهای غربی افزایش پیدا کرده است. آن‌ها با تحلیل تعیین کننده‌های همباشی در چین بر روی داده‌های پیمایش ملی که

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ جمع‌آوری شده بود دریافتند همباشی بین مـردان تحصیل کرده و مردان و زنان طبقات بالا رواج بیشـتری پیدا کرده اسـت. به‌علاوه دریافتند که مدرنیزاسیون و شهرنشینی در چین از عواملی پدید آورنده همباشـی و تغییر شـکل خانواده است.(۳۱) در مطالعه دیگری که بر روی سـی زوج طبقه کارگر و سـی و یک زوج طبقـه متوسـط در کلمبیا به‌منظور بررسـی عوامل همباشـی در طبقات مختلف توسط ساسلر و همکاران انجام شد، هفت دلیل عمده برای زندگی مشترک بدون ازدواج بیان گردید که عبارتند از: نیازهای مسـکن، راحتی و آسـایش، عقلانیت اقتصادی، ضرورت مالی، تعهد، صرف زمان بیشتر با یکدیگر و وضعیت خانوادگی. آن‌ها دریافتند که دلیل اشـتراک‌گذاری مسـکن به‌طور معنی‌داری در طبقات مختلف متفاوت اسـت.(P>۰/۰۱) طبقه‌متوسـط بیشـترین دلیل همباشـی را آرامش بیان کردند. با این حال عقلانیت اقتصادی در طبقه متوسط اثر تعیین کننده‌تری نسـبت به طبقه کارگر داشـت و شرایط خانوادگی در طبقه کارگر تاثیر بیشتری نسبت به طبقه‌متوسط داشت.

همچنین در مطالعه رودز و همکاران(۲۰۰۹)، آسـودگی و عقلانیت اقتصـادی و نیازهای مالی در گروهی به نام "آسـودگی" قرار گرفت. در ایـن مطالعه عوامل دیگـری به‌عنوان عوامل فشـار در نظر گرفته شـده است. این عوامل به مسائل مربوط به مسـکن و خانواده مربوط می‌شـود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مسـائل مربوط به همباشی در بین طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است، مثلا افراد طبقه کارگر و متوسـط، مسکن را عامل اصلی همباشـی می‌دانند و عوامل مربوط به محل اقامت و نیاز به سـرپناه باعث شـده است که بسیاری از آن‌ها محل زندگی خود را به‌صورت اشتراکی انتخاب کنند. مسکن اشتراکی یکی از دلایلی اسـت که طبقه کارگر و متوسـط را به همخانه شـدن و همباشـی سوق می‌دهد. آسـودگی نیز از دلایلی بود که افراد برای همباشی برشـمردند. آسودگی شـامل حذف هزینه‌های رفت و آمد، در دسـترس بودن همیشه زوجین و همچنین راحتـی از دردسـرهای ارتبـاط از راه دور را شامل می‌شود.(۳۲)

به‌عـلاوه تحقیـق دیگری کـه در آمریکا صورت گرفته اسـت درآمد کمتر و آموزش کمتـر را از دلایـل روی آوردن به همباشـی می‌داند، از طرفی افرادی که از لحاظ اقتصادی برخوردارترند به ازدواج رسمی تمایل بیشتری دارند.(۱۲) اوپنهایمر همچنین نتیجه می‌گیرد که همباشـی‌هایی منجر به ازدواج می‌شوند کـه همباش‌ها وضعیـت اقتصـادی بهتری دارند.(همـان) همباشـی می‌توانـد به‌عنوان یکی از راه‌های افزایش ثروت به‌شـمار آید. زنان در زندگی همباشـی بیشـتر بـه اقتصاد خانـواده کمک می‌کننـد و احتمال خروج آن‌هـا از نیروی کار کمتر اسـت.(۳۳و۳۴) بنابراین سـرمایه‌گذاری مشـترک و کاهش هزینه‌ها به صورت اشتراک در خانه می‌تواند از عوامل گرایش به همباشی باشد.

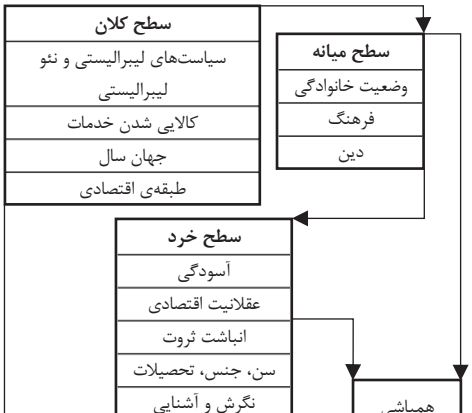
تحقیقـات صـورت گرفته در ایـران ،از زمینه‌های پیدایش همباشـی، تحولات اخیر اقتصادی و اجتماعی و گسترش سرمایه‌داری و همچنین نگرش و میزان آشنایی با همباشی نام می‌برند.(۳۵و۳۶)

مدل بیان شده در نمودار شماره دو بر اساس رویکردهـای نظـری و همچنیـن تحقیقات انجام شده در این حوزه به‌دست آمده است.

جدول(۱) عوامل تعیین کننده همباشی در کشورهای مختلف

ردیف	نام محقق	کشور	عوامل تعیین کننده روی آوردن به همباشی
۱	پنه لوپه و همکاران	آمریکا	گذراندن وقت با یکدیگر، تقسیم هزینه‌ها، ارزیابی سازگاری
۲	جی تیچمن	آمریکا	عدم دسترسی به منابع اقتصادی در مردان
۳	گلنا و دیگران	شهروندانی آمریکایی مقیم خارج	گذراندن وقت با یکدیگر، راحتی، ارزیابی رابطه
۴	دوریت پوزل و همکاران	آفریقای جنوبی	فرهنگ، دین، ارزش زنان در جامعه
۵	کن دمسیو دیوید دی واس	استرالیا	سن، جنس، مذهب، نژاد
۶	جیا یو و همکاران	چین	طبقه، تحصیلات، مدرنیزاسیون، شهرنشینی، توسعه اقتصادی
۷	ساسلر و همکاران	کلمبیا	نیازهای مسکن، راحتی، عقلانیت اقتصادی، ضرورت مالی، تعهد، گذراندن وقت با یکدیگر، وضعیت خانوادگی
۸	رودز و همکاران	آمریکا	آسودگی، عوامل فشار(مسکن و خانواده)، طبقه اجتماعی
۹	اوپنهاور	آمریکا	درآمد کم، تحصیلات پایین
۱۰	کنی(۲۰۰۴) آولار و دیگران (۲۰۰۵)	آمریکا	افزایش ثروت، سرمایه گذاری مشترک، کاهش هزینه‌ها
۱۱	آزاد ارمکی و دیگران	ایران	تحولات اخیر اقتصادی و اجتماعی، گسترش سرمایه داری
۱۲	یعقوبی و دیگران(۱۳۹۳)	ایران	نگرش و آشنایی به ازدواج سفید

نمودار(۲) تعیین کننده‌های همباشی در سطوح مختلف



wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

این مدل تاثیر سطوح مختلف را در پیدایش و افزایش همباشی نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

در موقعیت سیال مدرن زندگی، روابط شایعترین، حادترین، حساسترین و مساله‌سازترین نمونه ناهمخوانی و چندگانگی می‌باشند. در جهان "فردیت بخشی" بی‌امان ما، روابط می‌توانند هم نقش خوب و هم بد داشته باشند. روابط بین آدمی بین دو طیف خوب و بد نوسان می‌کنند و مشخص نیست که چه زمانی این دو به دیگری تبدیل می‌شوند. می‌توان گفت در اکثر اوقات این دو با هم در سطح متفاوتی از آگاهی وجود دارند.(۳۷) شکنندگی روابط در دنیای مدرن با امیالی همراه است که می‌خواهد آن‌ها را محکم کند و در عین حال آن‌ها را سست کند. این تعارضات در دنیای امروزی اضطراب‌های زندگی با هم و جدا از هم را به دنبال دارد.

با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی کشورها و گسترش هرچه بیشتر سیاست‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی، کارکردهای اقتصادی در خانواده تغییر شکل یافته است. به‌طور مثال تقسیم کار به شیوه‌ای که شوهر نقش تامین مالی خانواده را به‌عهده داشته باشد کمرنگ شده و شرایط اقتصادی، زنان را مجبور به کارهای خارج از خانه کرده است. در چنین شرایطی یکی از کارکردهای نهاد خانواده که تامین مالی و امنیت اقتصادی افراد آن است، اعتبار خود را از دست می‌دهد. بنابراین تشکیل نهادی به نام خانواده رسمی از سوی جوانان با توجه به کاهش کارکرد این نهاد، منطقی نمی‌نماید. در این صورت با توجه به از دست رفتن کارکردهای خانواده ،طبیعی است که افراد جامعه برای ارضای نیازهای خود دست به ساختن اشکال جدیدی از خانواده بزنند،که همباشی نیز می‌تواند نوعی از این اشکال جدید باشد.

اگر بخواهیم پدیده همباشی را در سطوح مختلف تبیین کنیم می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های نئولیبرالی در سال‌های اخیر باعث تغییر در ساختار خانواده شده است. به‌طور مثال زنان برای تامین مالی نیاز به کار خارج از خانه دارند، فقدان امنیت اقتصادی و بیکاری از موانع ازدواج است و کالایی شدن اموری مانند آموزش و اوقات فراغت، نهادهایی را به‌وجود آورده است که کارکرد آن‌ها را قبلا خانواده در جامعه برعهده داشته است. در سطح میانه، عواملی در درون خانواده مانع شکل‌گیری ازدواج‌های رسمی در دوران نوین شده است. ساختار نابرابر در محیط خانواده و تبعیض علیه زنان در قوانین ازدواج، محیط استرس‌زای خانواده‌های کنونی، عدم اطمینان از ایجاد روابط پایدار در دنیای سیال امروزی شکل‌گیری ازدواج را با مشکل روبرو کرده است. در سطح خرد، افراد با انتخاب‌های عقلانی خود ، اشکال همباشی را بر ازدواج ترجیح می‌دهند. عقلانیت اقتصادی، آسودگی در برقراری رابطه‌ها و همچنین اتمام رابطه‌ها، انباشت ثروت از طریق سرمایه‌گذاری مشترک و استفاده از مسکن مشترک از دلایل روی آوردن به همباشی است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد در جمعیت‌های متفاوت دلایل متفاوتی برای همباشی وجود دارد. برای مثال در طبقات پایین نیازهای اقتصادی و در طبقات بالا گذراندن وقت تعیین کننده می‌باشند. در جوامع سنتی و مذهبی نیز عواملی مانند تبعیض جنسیتی، فرهنگ و دین تاثیرگذار است.

محدودیت ها

ازجمله محدودیت این پژوهش عدم استفاده ازمتاآنالیز برای نشان دادن همبسته‌های همباشی می‌باشد. البته دلیل آن نبودن آمارهای کافی در این زمینه و عدم مطالعات کمی در این حوزه است. همچنین مطالعات خارجی به‌دلیل تفاوت در فرهنگ و زمینه جامعه مربوط به خود، شاید نتواند از قابلیت تعمیم دهی بالایی برای استفاده در مطالعات داخلی برخوردار باشد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود با انجام پژوهش‌هایی برای شناسایی و فراهم آوردن داده برای پدیده همباشی در ایران، بستری مناسب برای تحقیقات تحلیلی فراهم شود.

پیشنهادات

باتوجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌ها با رویکردهای متفاوت در گروه‌های متفاوت صورت گیرد. همچنین تغییر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی، هموار کردن مسیرهای ازدواج جوانان، ایجاد امنیت اقتصادی، رفع تبعیض‌های جنسیتی و آموزش‌هایی به جوانان می‌تواند از گرایش جوانان به زندگی مشترک بدون ازدواج بکاهد.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]

منابع

References:

1. lowe NaD, Gillian. Bromley's Family Law (9th ed). united Kingdom: Butterworth 1998;22.
2. Barlow A. cohabitation and the law (3rd ed.). Londen: Butterworth, 1. 2007.
3. Waite lJ. The Negative Effect of cohaitation. The communitarian Network. 1999/2000;10(1).
4. mohammad jalal abbas s, abbas mj, nadooshan, asgary a. Family Changes and Barouri Reduction in Iran Case Study in Yazd Province. nameye oloom ejtemaei. 2005;25(25).
5. weeks JR. Population: An Introduction to Concepts and Issues. Eighth ed: Wadworth; 2002.
6. SADEGHI R, GHODSI A, AFSHAR KJ. EXPLORING MARRIAGE PROBLEM AND VALIDATION OF A SOLUTION. 2007.
7. LaDuke A. Living Through the Sexual Revolution. London: Greenhaven Press; 2006.
8. Regnerus M, Uecker J. Premarital sex in America: How young Americans meet, mate, and think about marrying: Oxford University Press; 2011.
9. Utomo I. Sexual values and early experiences among young people in Jakarta. Coming of age in south and Southeast Asia: Youth, courtship and sexuality: Curzon Press; 2002.
10. Bumpass L, Lu H-H. Trends in cohabitation and implications for children s family contexts in the United States. Population studies. 2000;54(1):29-41.
11. Nazio T. Cohabitation, Family & Society: Routledge; 2008.
12. Oppenheimer VK. Cohabiting and marriage during young men's career-development process. Demography. 2003;40(1):127-49.
13. Perelli Harris B, Sigle Rushton W, Kreyenfeld M, Lappegård T, Keizer R, Berghammer C. The educational gradient of childbearing within cohabitation in Europe. Population and development review. 2010;36(4):775-801.
14. Posel D, Rudwick S. Ukukipita (cohabiting): Socio-cultural constraints in urban Zulu society. Journal of Asian and African Studies. 2014;49(3):282-97.
15. Smock PJ. Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications. Annual review of Sociology. 2000;26(1):1-20.
16. Blossfeld H-P, Mills M. A Causal Approach to Interrelated Family Events: A Cross-National Comparison fo Cohabitation, Non-marital Conception, and Marriage. Canadian Studies in Population. 2001;28(2):409-37.
17. Mincieli L, Manlove J, McGarrett M, Moore K, Ryan S. The relationship context of births outside of marriage: The rise of cohabitation. Child Trends Research Brief. 2007;13:1-4.
18. Musick K. Cohabitation, nonmarital childbearing, and the marriage process. Demographic Research. 2007;16(9):249-86.
19. Edin K, Reed JM. Why don't they just get married? Barriers to marriage among the disadvantaged. The Future of Children. 2005:117-37.
20. Brown SL, Lee GR, Bulanda JR. Cohabitation among older adults: A national portrait. The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences. 2006;61(2):S71-S9.
21. Brown SL. Family structure and child well-being: the significance of parental cohabitation. Journal of Marriage and Family. 2004;66(2):351-67.
22. Hofferth SL. Residential father family type and child well-being: Investment versus selection. Demography. 2006;43(1):53-77.
23. Raley RK, Frisco ML, Wildsmith E. Maternal cohabitation and educational success. Sociology of Education. 2005;78(2):144-64.
24. Guzzo KB, Furstenberg FF. Multipartnered fertility among American men. Demography. 2007;44(3):583-601.
25. Malek NBA. Is Cohabitation an Alternative to Marriage? Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2016;219:12-8.
26. Fox L. The Science of Cohabitation: A Step toward Marriage, Not a Rebellion. The Atlantic. 2014.
27. Huang PM, Smock PJ, Manning WD, Bergstrom-Lynch CA. He says, she says: Gender and cohabitation. Journal of family issues. 2011;32(7):876-905.
28. Teachman J. Military service, race, and the transition to marriage and cohabitation. Journal of Family Issues. 2009;30(10):1433-54.
29. Rhoades GK, Stanley SM, Markman HJ. Couples' reasons for cohabitation: Associations with individual well-being and relationship quality. Journal of Family Issues. 2009;30(2):233-58.
30. Dempsey K, de Vaus D. Who cohabits in 2001? The significance of age, gender, religion and ethnicity. Journal of Sociology. 2004;40(2):157-78.
31. Yu J, Xie Y. Cohabitation in China: Trends and determinants. Population and Development Review. 2015;41(4):607-28.
32. Sassler S, Miller AJ. Waiting to be asked: Gender, power, and relationship progression among cohabiting couples. Journal of Family Issues. 2011;32(4):482-506.
33. Avellar S, Smock PJ. The economic consequences of the dissolution of cohabiting unions. Journal of Marriage and Family. 2005;67(2):315-27.
34. Kenney C. Cohabiting couple, filing jointly? Resource pooling and US poverty policies. Family Relations. 2004;53(2):237-47.
35. AZAD AT, SHARIFI SMH, ISARI M, TALEBI S. Cohabitation; the New Family Pattern in Tehran. 2012.
36. yaghobi a, zarghosh a, khoshbaten m. Studying the tendency toward unconventional sexual relations among students. 6th National Conference Student problems. 2014.
37. Bauman Z. Liquid love: On the frailty of human bonds: John Wiley & Sons; 2013.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-09]